

ضرورت حمایت و هدایت فعالان جوان حوزه کارگری از سوی چپ انقلابی

نوید نو

آنچه سبب می شود تا یک دانشجوی دامپزشکی به چهره ای برجسته در اعتراضات کارگری هفت تپه تبدیل شود، در واقع ضعف و خلاء نقش کنشگرانه فعالان ریشه دار چپ در جنبش کارگری در شرایط پس از فاجعه ملی است. سپیده قلیان در واقع یک فعال دموکراتیک در حوزه مسائل اجتماعی و کارگری است. در کنار بسیاری از زنان جوانی که در حوزه های مختلف اجتماعی شامل رسانه، محیط زیست، کودکان کار، برابری طلبی زنان، حقوق بشر و... کار می کنند، ایشان از معدود فعالان جوانی است که در حوزه کارگری فعال شده است. تردیدی نیست که این فعالیت برای اینکه دارای چشم انداز در حوزه کارگری باشد، باید با آگاهی و دانش مبارزه به طبقاتی علیه سیستم سرمایه داری معاصر (نئولیبرالیسم) همراه باشد. او هم مانند همه انسان ها محصول شرایط اجتماعی جامعه خود است و همینکه در فضای رواج و رونق انواع گفتمان های دموکراسی خواهی و آزادی خواهی و حقوق بشری و... لیبرالی، از بین حوزه های مختلف اجتماعی، کار در عرصه مسائل کارگری را برگزیده است، دارای ارزش است. سپیده جوانی است که برخی از جوانان مبارز هم سن او در سال های دهه ی چهل به دنبال ایجاد گروه های چریکی و خانه تیمی و مبارزه مسلحانه می رفتند و امروز او به کار اجتماعی در حوزه کارگری روی آورده است. جامعه ی ما برای این تغییر نگاه هزینه های بسیار داده است.

نام سپیده قلیان و اسماعیل بخشی به هم و به اعتراضات کارگری هفت تپه گره خورده است. هم جنبش سندیکایی و کارگری جهانی، هم فعالان حقوق بشر و وکلا و از همه مهم تر کارگران هفت تپه و جنبش دموکراتیک ایران و افکار عمومی این دو را در کنار اسامی دیگری چون عسل محمدی به عنوان نماد اعتراضات و مبارزات کارگری هفت تپه می شناسند. شواهد فراوان حاکی از خشونت در مراحل بازداشت و بازجویی نه تنها نسبت به آنها بلکه نسبت به خانواده های آنهاست. مصاحبه های سپیده قلیان پس از رهایی از بازداشت، دعوت اسماعیل

بخشی از وزیر اطلاعات برای مناظره‌ی تلویزیونی، تایید عسل محمدی مبنی بر مشاهده شکنجه آن‌ها، ضرب و جرح و تهدید اعضای خانواده در هنگام بازداشت سپیده، پخش اعترافات نخ نمای ۲۰:۳۰ از سیمای سراسری و بسیاری شواهد دیگر تردیدی در مورد شکنجه آنها باقی نمی‌گذارد.

نوع عملکرد سرکوبگرانه‌ی حاکمیت در برخورد با کلیه‌ی مطالبات دموکراتیک سبب شده است که امپریالیسم با رسانه‌های مسلط در اختیار خود، ژست دفاع از حقوق دموکراتیک در ایران بگیرد و خود را مدافع مطالبات دموکراتیک و چهره‌هایی نشان دهند که در ارتباط با این نوع اعتراضات شناخته شده‌اند. این در حالی است که امپریالیسم و رسانه‌های شرکتی آن در واقع نئوفاشیسم را نمایندگی می‌کنند و وقتی به جولیان آسانژ و ادوارد اسنودن و... می‌رسند، دیگر نه حقوق بشر برایشان مطرح است، نه برایشان صرف می‌کند که سخنی از حق آزادی بیان بشنوند و... فعالان حوزه‌های دموکراتیک و عدالتخواهانه در ایران چنانچه از حداقلی از آگاهی طبقاتی برخوردار باشند، پوشالی بودن ژست‌های حقوق بشری بسیاری از دولت‌ها و نهادهای غربی مدافع حقوق بشر و... را درخواهند یافت. آنچه به آنها فرصت گرفتن چنین ژست‌هایی را می‌دهد، از یک سو صف آراییی و توازن واقعی نیروها در عرصه‌ی نبردهای اجتماعی در ایران است که مجموعه‌ای از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی، سیاسی و تشکیلاتی مختلف، مانع از آن شده است تا چپ ریشه‌دار و انقلابی در جایگاه واقعی خود در توازن قوای سیاسی کشور قرار بگیرد. در چنین شرایطی مدافعان نئولیبرالیسم هم در ایران و هم در رسانه‌های مسلط فارسی زبان که علی‌رغم انتقاد از خود فوکویاما، همچنان علاقمند به تکرار شعار "پایان تاریخ" و پایان مبارزه‌ی طبقاتی و سوسیالیسم هستند، حجم عظیمی از افکار و اندیشه‌ها و نظریات را به شیوه‌های متنوع و گسترده در جامعه ترویج می‌کنند که از ظاهری دموکراتیک برخوردارند و چپ انقلابی را هدف قرار داده‌اند تا مانع از آگاهی طبقاتی فعالان اجتماعی و سیاسی و توده‌های مردم شوند. با اینکه در عمل امکانات مادی چپ انقلابی در ارتباط گیری با توده وسیع مردم و انتشار دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود در میان آن‌ها در مقایسه با آن محافل و رسانه‌ها بسیار ناچیز است، اما همه‌ی کاستی‌چپ انقلابی را نمی‌توان به امکانات مادی آن مرتبط دانست و در واقع بخشی از آن را باید ناشی از ضعف برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و فاصله داشتن از ویژگی‌هایی دانست که لنین برای یک حزب پیشاهنگ انقلابی طبقه‌ی کارگر برشمرده است.

در چنین شرایطی که بخش قابل توجهی از فعالان چپ ریشه دار و با سابقه هم مسیر عافیت طلبی و رفورمیسم را در پیش می گیرند و با ژست دفاع از حاکمیت ملی در برابر اقدامات ضد دموکراتیک و ضد کارگری حاکمیت مماشات نشان می دهند، در شرایطی که فضای کار و تنفس بخشی از چپ انقلابی به فضای مجازی و سایت ها و کانال ها محدود شده است، در شرایطی که ضعف، پراکندگی و عدم انسجام نظری، سیاسی و تشکیلاتی چپ انقلابی سبب شده است که کارگران و توده های مردم زحمتکش، مطالبه گر و معترض نتوانند با برنامه ی چپ انقلابی ارتباط برقرار کنند و چپ در شرایط پیامد های فاجعه بار اجتماعی و اقتصادی نئولیبرالیسم و دیکتاتوری نتوانسته است نظر و اعتماد توده های معترض را جلب کند، بدیهی است که جنبش راه دیگری را جستجو کند و فضا برای برآمد چهره هایی چون سپیده قلیان ها به عنوان نماد و قهرمانان دفاع از مبارزه کارگری باز می شود.

جوانان حامی جنبش کارگری با تنوع نگاه و عملکرد واقعیتی کتمان ناپذیر و محصول همین وضعیت دشوار و پیچیده هستند. فرزندان زحمتکشان نشان می دهند که نمی توانند در برابر تاراج هستی مردم سکوت نمایند. این پدیده مبارکی در این برهه تاریخی از تحول اجتماعی ماست. در همین رابطه چگونگی برخورد چپ نیز با این پدیده قابل بررسی و طرح است. ما اعتقاد داریم که برخورد چپ با این جوانان باید تعاملی، حمایتگرانه و هدایتگرانه باشد.

تعجب آور نیست که رژیم جمهوری اسلامی با کلیت و همه ی جناح های خود از طریق فشار و اعتراف گیری از یک سو و امپریالیسم و رسانه های مسلط در اختیار آن ها از طریق ژست های دموکراسی خواهی و حقوق بشری خود از سوی دیگر، سناریوهای مختلفی را برای بهره برداری سیاسی از امثال سپیده طراحی کنند. در چنین شرایطی چپ انقلابی اساساً باید سپیده قلیان ها را متعلق به جنبش کارگری و دموکراتیک دانسته و با تشریح و ترویج برنامه ها و آماج جنبش کارگری با هدف افزایش آگاهی طبقاتی و معرفی شاخص های شناخت دوستان و دشمنان جنبش کارگری، مانع از تحقق سناریوهای احتمالی حاکمیت و رسانه های مسلط امپریالیستی در بهره برداری سوء از این وضعیت شود. آنچه امپریالیسم و جمهوری اسلامی می خواهند، این است که جوانانی چون سپیده هیچ گرایشی به جنبش چپ انقلابی ریشه دار کشور پیدا نکنند و به ویژه امپریالیسم رسانه ای بسیار تلاش می کنند تا اینگونه چهره ها را هر قدر که می تواند به فاصله گرفتن، مرزبندی و تقابل با جنبش ریشه دار چپ نیز سوق دهند. حرف و حدیث های تأیید نشده در

باره اعتصاب غذای خشک سپیده در روزهای پایانی بازداشت او و گمان های مختلف در باره چگونگی دوران زندان و چگونگی آزادی فعالان کارگری را، نمی توان برای قضاوت و موضع گیری و حتی ایجاد تردید در باره فعالان کارگری مورد استناد قرار داد. (همان گونه که شاهدیم، سپیده بعد از آزادی موقت این بار خود نیز نسبت به سوء استفاده جناحی از زندانیان سیاسی و خانواده های آن ها هشدار داد و آن را محکوم کرد. [1])

بهتر آن است که این آزادی فعالان کارگری را بیش از همه نتیجهی چاره اندیشی هوشمندانه و مصلحت جویانهی اتاق فکر جمهوری اسلامی در برابر رشد فزایندهی جنبش کارگری تصور کنیم که از یک سو با آزادی آن ها، فشار اعتراضات اجتماعی و سیاسی داخلی و بین‌المللی را بر خود کاهش می دهد و نمایشی از اقتدار و ثبات و رعایت ضوابط قانونی در برخورد با معترضان اجتماعی را از خود به نمایش می گذارد و از سوی دیگر با صدور احکام و وثیقه های بسیار سنگین به این چهره ها و سایر فعالان اجتماعی و سیاسی این پیام را می دهد که هزینه این اعتراضات برای آن ها تا چه اندازه می تواند بالا باشد. از سوی دیگر نمی توان این احتمال را منتفی دانست که آزادی مشروط فعالان کارگری ممکن است محصول توافق جناح های حاکمیت بر سناریویی خاص در جهت تخریب آن ها و تضعیف جنبش کارگری باشد.

نباید از این حقیقت غافل بود که فعالانی چون سپیده قلیان از آن رو مورد توجه جنبش کارگری قرار می گیرند که جنبش کمونیستی اصیل و ریشه دار چپ کشور به دلایل مختلف نتوانسته است نقش لازم را در هدایت جنبش کارگری ایفا کند. دیکتاتوری حاکم شرایطی را ایجاد کرده است که فعالان دموکراتیک و مدنی در حوزه های مختلف به آسانی تبدیل به چهره های برجسته و نمادین می شوند. و جای تأسف آنکه در چنین فضایی هنوز هم برخی از فعالان و جریان های چپ بیشتر مایلند تا به جای کنش اجتماعی و سیاسی بر ارائه ی تحلیل و ... متمرکز باشند.

تردیدی نیست که همواره این امکان وجود دارد که پلیس برخی ها را به عنوان مبارز در صفوف جنبش کارگری رخنه دهد، اما زیر سوال بردن فعالان جوان حوزه کارگری که شواهد متعدد در مورد اعمال فشار و شکنجه بر آنها و خانواده و بستگان نشان وجود دارد، برخورد مسئولانه ای را بازتاب نمی دهد و در شرایطی که رسانه های امپریالیستی سعی می کنند تا خود را مدافع مطالبات دموکراتیک و حقوق بشری در ایران نشان دهند، می تواند نگاهی منفی نسبت به

کسانی ایجاد کند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در جهت ایجاد تردید نسبت به این مبارزان جوان و به نوعی در هماهنگی با عاملان سرکوب عمل می کنند. علاج مقابله با ترفند های پلیسی چیزی جز وفاداری در همه حال به منافع طبقه ی کارگر و زحمتکشان نیست. چه انقلابی می تواند با ترویج و فراگیر کردن این معیار اصیل داوری، به شناخت مردم از فعالان حوزه کارگری و شناخت این فعالان از معیار عمل انقلابی کمک نماید.

سپیده قلیان ها را باید به عنوان نماد نزدیکی جنبش زنان با جنبش کارگری و نیز نماد نزدیکی جنبش جوانان با جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک با جنبش کارگری به رسمیت شناخت و به صورت گسترده مورد حمایت قرار داد.

ایجاد تردید در مورد جوانانی که به دفاع از طبقه ی کارگر و مطالبات آن ها بر آمده اند، و تضعیف اعتماد کارگران هفت تپه به آن ها اگر با ارائه ی آلترناتیو مناسبی همراه نباشد، می تواند به زیان جنبش کارگری بیانجامد. قطعاً اتاق فکر حاکمیت نیز این حقیقت را به خوبی می داند و به آن امیدوار است. همانگونه که به همین ترتیب عدم درک احتمالی منطق مبارزه طبقاتی و ضرورت درس آموزی از تاریخ مبارزه طبقاتی در ایران و جهان و برقراری پیوند با جنبش ریشه دار چه انقلابی از سوی این جوانان نیز می تواند به تضعیف و انحراف جنبش کارگری منجر شده و چشم انداز آن را ناروشن کند.

توده های به جان آمده مردم از ستم و دیکتاتوری و استثمار برای پیروی و حمایت از هیچ شخصیتی منتظر تحلیل و دستور هیچ حزب و سازمانی نمی مانند، بلکه این شرایط عینی مبارزه و نقش و کنش شخصیت ها در آن شرایط است که سبب رویکرد مردم به کسی یا جریانی می شود. جریان های ریشه دار جنبش چه انقلابی باید به صورت جدی تصمیم بگیرند و برنامه ریزی کنند تا کنش خود را بیشتر از صفحات نشریات مجازی و سایت ها به صحنه ی اجتماع منتقل کنند و برای این منظور باید مانند سپیده ها ، بخشی ها ، ستوده ها ، نرگس محمدی ها و... هزینه دهند و البته بیشتر از اینها هم باید هزینه بدهند و آگاهانه تر و هوشیارانه تر از اینها نیز مبارزه کنند. چه انقلابی باید ضمن دفاع از حقوق سپیده ها ، از تلاش های اجتماعی، دموکراتیک و عدالتخواهانه آنها نیز دفاع کرده و تلاش های حاکمیت برای طراحی سناریوهای کثیف، اعمال فشار و تهدید و صدور احکام و وثیقه های سنگین برای تخریب آنها را افشا و محکوم نماید. همزمان باید سوء استفاده تبلیغاتی رسانه های مسلط فارسی زبان و حکومت های

امپریالیستی در دفاع از سپیده ها و معرفی خود به عنوان مدافع دموکراسی و حقوق بشر را نیز افشا سازد.

خوشمان بیاید یا نه، سپیده قلیان ها به نماد مطالبات دموکراتیک در حوزه کارگری و جنبش کارگری تبدیل شده اند. باید با طرح درست مطالبات طبقه کارگر و الزامات عملی آن، توطئه ها و اقدامات سرگوبگرانه حاکمیت را افشا و جوانان پای بند به منافع طبقاتی زحمتکشان را حمایت و هدایت نمود. نباید به گسترش جو بدبینی و تردید نسبت به آن ها که می تواند از سناریو های پیچیده ی حاکمیت باشد، کمک کرد. چنین رویکردی می تواند سبب ایجاد بدبینی و تضعیف اعتماد جنبش کارگری به چپ انقلابی گردد.

[1] - [نامه سپیده قلیان به مردم ایران](#)